

کودکان قصه گو

ماندانا سلحشور

Children Tell story: a teaching guide by
marta hamilton and match guide weiss 1990
P.rechard C.owen

می‌کند تا متحول شوند.

قصه‌گویی و بلند خوانی داستان، دو دوستی هستند که همیشه با هم همراهند. تنها تفاوت آن‌ها در آن است که قصه‌گویی با پویایی و خلاقیت همراه است. قصه‌گو در جریان اجرای تعریف داستان، سعی می‌کند با استفاده از مهارت‌های حرکتی، مهارت‌های شناختی، عکس العمل‌های عاطفی و تماس‌های چشمی خود با مخاطبین قصه ارتباط بگیرد. کافی است از یک کودک قصه‌گو بخواهید تا بانگ‌ها کردن فعال، به بینندگان و شنوندگان خود، ماجرا و داستانی را تعریف کند. آن‌گاه خواهید دید که تا چه حد بر افکار و تمرکز آنان تأثیر خواهد گذاشت.

با آموزش فن قصه‌گویی به کودکان، آن‌ها یاد می‌گیرند که چطور از قدرت حافظه خود، برای بازگو کردن داستان استفاده کنند. زمانی شما توانایی قصه‌گویی دارید که بتوانید اشعار، نوشته‌ها و متون ادبی را بلند بخوانید و پس از مدتی، از حفظ تکرار کنید.

در اینجا سعی شده است اصول اولیه قصه‌گویی کودکان را طی هفت گام، به طور خلاصه و محوری معرفی کنیم و آن‌ها را با آن چه باید انجام دهند، آشنا سازیم. قبل از آن که درصدد آموزش قصه‌گویی به کودکان برآیید، به دو نکته توجه داشته باشید:

اول آن که خودتان باید شیوه قصه‌گویی پویا را یاد بگیرید؛ زیرا شما الگو و مربی کودک محسوب می‌شوید و کودک در تمام مراحل آموزش، حرکات، رفتار، حالات و گفته‌های شما را در نظر دارد. بنابراین، بهتر است ابتدا خودتان با فنون قصه‌گویی آشنایی داشته باشید تا بچه‌ها فکر نکنند این کار را ساختگی و مصنوعی انجام می‌دهید.

دوم آن که به کتاب‌ها، رمان‌ها و داستان‌های بزرگ و اصیل نویسندگان مختلف (به ویژه ادبیات کودکان) دسترسی داشته باشید. توجه به این نکته،

حقیقت فنون سخن گفتن در جمع را می‌آموزند. آنان یاد می‌گیرند که چگونه باید داستانی را در حضور گروهی از شنوندگان و بینندگان تعریف کنند و انجام این کار، نه تنها موجب تقویت مهارت‌های کلامی و حرکتی آنان می‌شود، بلکه خوی خجالتی بودن و کم‌رویی را نیز در آن‌ها از بین می‌برد و در عوض، اعتماد به نفس و درخشیدن در جمع را جایگزین آن می‌کند. کودکان قصه‌گو، پس از مدتی، انگیزه و علاقه بیشتری برای انجام کارهای بزرگ در خود احساس می‌کنند؛ زیرا که داستان‌های آنان، سرشار از قهرمانان و ماجراجویانی است که به دنبال کشف حقایق بوده‌اند.

آموزش مهارت قصه‌گویی را می‌توان در کلاس مدرسه، یا به عنوان فعالیتی فوق برنامه و یا بین چند کودک (و یا نوجوان) ترتیب داد. پس از مدتی که کودکان، قصه‌گویی در جمع را خوب تمرین کردند و با فنون و جزئیات آن آشنا شدند، می‌توانند در سالن‌های نمایش، گروه‌های تئاتر،... به عنوان قصه‌گو و راوی داستان، قطعه‌ای را اجرا کنند و از این فعالیت هنری خود لذت ببرند.

قصه‌گویی از بلند خوانی داستان نشأت می‌گیرد. قصه‌گویی موجب پرورش مهارت‌های کلامی کودک، هم‌چون گسترش فرهنگ لغات، درک مطلب، دستور زبان، ادبیات صحیح، پیش‌بینی وقایع، ساختار داستان‌گویی و بازگویی ماجراها و رویدادها می‌شود. از آن گذشته، به کارگیری این مهارت‌ها به کودکان کمک می‌کند تا نویسندگان خوبی شوند و اطلاعات و دانسته‌های خود را درباره تاریخ ملل، فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و جوامع مختلف بسط و گسترش دهند. قصه‌گویی موجب رشد عواطف و قدرت تصور و خیال و ارتقای خود پنداره (Selfconcept) آنان می‌شود. قصه‌گویی، انگیزه و محرکی برای جست و جو درباره مسائل گوناگون به کودکان می‌دهد و به آن‌ها کمک

قصه‌گویی، هنری است که کودکان را با شعر و ادبیات آشنا می‌کند. قصه شنیدن و قصه گفتن، یکی از لذت بخش‌ترین علایق و خواسته‌های بچه‌هاست. آن‌ها با شور و شوق بسیار، حاضرند ساعت‌ها به افسانه‌ها و داستان‌های تکراری گوناگونی گوش بسپارند که شاید ما بزرگ‌ترها تمایلی به یک بار شنیدن آن‌ها هم نداشته باشیم. بچه‌ها از قصه می‌آموزند، با قصه بازی می‌کنند و قصه‌ها را دوست دارند.

هنر قصه‌گویی برای کودکان، از دیرباز شروع شده، ادامه یافته و متناسب با رشد و تحول هر جامعه‌ای، دچار تغییر و دگرگونی بسیار شده است. قصه‌ها و داستان‌هایی که کودکان می‌شنوند، گاه چنان تأثیری برافکار، اندیشه‌ها، احساسات و روحیات آن‌ها می‌گذارد که موجب رشد و پرورش استعدادها و نهفته کودک می‌شود. برای مثال، شنیدن زندگی‌نامه‌های افراد سرشناس تاریخ علم و هنر، انگیزه‌ای می‌شود برای بروز خلاقیت و پویایی در آن‌ها و یا شنیدن داستان‌ها و افسانه‌های اخلاقی، انتخاب مسیر درست زندگی را به ایشان یاد می‌دهد. علاوه بر آن، از قصه‌گویی می‌توان به عنوان روش آموزش غیر مستقیم، بهره گرفت و فضایی آزاد برای رشد و پرورش قوای ذهنی کودک فراهم کرد.

کودکان در شش سالگی می‌آموزند که چگونه بخوانند، بنویسند، حساب کنند، نقاشی بکشند و بالاخره آن‌ها که فکر کنند. کودکان این مقطع سنی، مستعد یادگیری بسیاری از مفاهیم و ارزش‌های گوناگون هستند. قصه می‌تواند میل به خواندن، نوشتن، دانستن و دریافتن را در آن‌ها تقویت کند. قصه‌گوها می‌توانند پلی بین آموزش و تجربه کودک باشند. آن‌ها تنها اجراکننده قصه نیستند، بلکه می‌کوشند با به کارگیری فنون قصه‌گویی، بچه‌ها را به فراگیری بهتر و روان‌تر تشویق کنند.

کودکانی که قصه گفتن را یاد می‌گیرند، در

از این رو مهم است که وقتی بچه‌ها با تنوع کتاب و موضوع رو به رو هستند، طبیعی است که امکان انتخاب بیشتری هم دارند. زمانی که داستان مورد علاقه‌شان را خودشان برمی‌گزینند با شور و شوق بیشتری هم آن را فرا می‌گیرند و می‌کوشند با مهارت بیشتری هم آن را اجرا کنند. بنابراین، شاید عضویت در کتابخانهٔ مدرسه، محله، فرهنگ‌سراها و کانون‌های آموزشی کودکان، راه حل مشکل باشد که خود نیز موجب بسط روابط اجتماعی کودک خواهد شد.

گام اول: قصه‌گویی با صدای بلند و شمرده

اهداف:

- مشاهدهٔ دقیق مربی قصه‌گو
- آشنا شدن با روش‌های سنتی و حرفه‌ای قصه‌گویی

- توانایی کنترل زیر و بم صدا
زمانی که برای بچه‌ها قصه و داستانی را تعریف می‌کنید دربارهٔ اهمیت نقش داستان‌ها در زندگی نسل‌های گذشته، حال و آینده اطلاعات و پیش‌زمینه‌های ذهنی‌ای به آن‌ها بدهید.

ضرب المثلی آفریقایی می‌گوید: «هر فردی دوبار می‌میرد: یکی، زمانی که جسم او می‌میرد و دیگر، زمانی که خاطرات و یادگارهای او فراموش می‌شوند.» داستان‌ها هم همین طورند. به این ترتیب، زمانی که قصه‌گو می‌کوشد داستانی را با تمام جزئیات برای سایرین تعریف کند، در حقیقت مردم را واداشته است که آن داستان را به خاطر بسپارند و با بیان مجدد آن برای گروه دیگر، قصه را زنده نگه‌دارند.

نکتهٔ دیگری که مربی می‌تواند برای کودکان شرح دهد، آن است که قصه‌گویی، هم شغل و هم حرفه‌ای است که گروهی از مردم آن را انتخاب می‌کنند و هم هنری است که می‌تواند موجب رشد و بالندگی انسان‌ها شود.

بخش دیگری از هنر قصه‌گویی، به مهارت و توانایی کنترل زیر و بم صدا مربوط می‌شود. در این مرحله، مربی قصه‌گو، باید کودکان را به بیان شیوا و رسای داستان تشویق کند و از آن‌ها بخواهد هنگام تعریف و بازگویی ماجرا، به دقت از حرکت دست‌ها، حالات چهره، زیر و بم صدا و نگاه خود به شنوندگان و بینندگان استفاده کنند. برای کودکان خردسال که هنوز توانایی بیان افکار و احساسات خود را در قالب کلمات ندارند، انجام حرکات و حالات مختلف بدنی، می‌تواند به کمک آن‌ها آید و دشواری کلام را برای‌شان هموار سازد. قصه‌گو با این شیوه، مخاطب خود را با احساسات، عواطف و هیجان‌های جاری داستان بهتر آشنا می‌کند و صحنه‌ها و چگونگی ماجرا را بهتر نمایش می‌دهد. قصه‌گو باید برای کودکان دربارهٔ تأثیرات روان شناختی فرآیند صحبت

آموزش مهارت قصه‌گویی را

می‌توان در کلاس مدرسه،

یا به عنوان فعالیت فوق برنامه

و یا بین چند کودک

(و یا نوجوان) ترتیب داد.

پس از مدتی که کودکان،

قصه‌گویی در جمع را

خوب تمرین کردند و

با فنون و جزئیات آن آشنا شدند،

می‌توانند در سالن‌های نمایش،

گروه‌های تئاتری،...

به عنوان قصه‌گو و راوی داستان،

قطعه‌ای را اجرا کنند

و از این فعالیت هنری خود

لذت ببرند

کردن و اثر آن بر مخاطب، توضیحات کاملی بدهد. او باید برای بچه‌ها شرح دهد که چگونه حرکات را احساس کنند و چگونه این احساس را به مخاطبین خود انتقال دهند.

گام دوم: قصه‌گویی با صدای بلند و شمرده

اهداف:

- استفاده از تصاویر و عکس‌های داستان
- آشنا شدن با معیارهای انتخاب داستان
- توانایی خواندن داستان با آرامش و تمرکز بیشتر

برخی از قصه‌گویان حرفه‌ای، برای آموزش فن قصه‌گویی به کودکان، از تصاویر پیوسته و پیاپی که بچه‌ها را با روند شکل‌گیری داستان آشنا می‌کند، استفاده می‌کنند. کودکان نیز ضمن آموزش و تمرین، می‌کوشند از آن تصاویر، برای به خاطر آوردن و تداعی ماجرای داستان استفاده کنند. گروهی از مربیان قصه‌گو، در نهایت سادگی، این تصاویر را خودشان تهیه و رسم می‌کنند و گروهی دیگر، از تصاویر طراحی شده‌ای که به همین منظور آماده شده‌اند، استفاده می‌برند. این تصاویر را می‌توان با نقاشی، کلاه، چسباندن عکس شخصیت‌های داستان در کنار هم و... درست کرد. لزومی ندارد که روی این تصاویر مطلبی نوشته شود؛ استفاده از عکس‌ها و نقاشی‌هایی که آمادگی

قصه‌گویی را در بچه‌ها تقویت کند، به تنهایی کافی است.

یکی دیگر از اهداف این مرحله، آشنا شدن با معیارهای انتخاب داستان است. مربی می‌تواند چند داستان ساده و متعارف را که موضوعش برای بچه‌ها آشنا باشد، در نظر گیرد و از آن‌ها بخواهد یکی را که بیشتر از همه دوست دارند و برای شروع کار مناسب‌تر است، برگزینند. یک داستان خوب برای قصه‌گویی، باید این شرایط را داشته باشد:

○ متنی شیوا و رسا داشته باشد.

○ دارای فضایی باشد که مخاطب بتواند با حضور و شرکت خود در روند قصه‌گویی، با قصه‌گو همراهی کند؛ برای مثال، جمله و یا عبارتی را تکرار کند.

○ هیجانی را در مخاطب زنده کند (بترسد، بخندد، گریه کند، تعجب کند،...)

○ متن‌هایی برای تعریف و بازگویی داشته باشد. ○ تصاویری داشته باشد که فهم ماجرا را برای کودک آسان‌تر کند.

هر کودک باید داستانی را که قصد دارد تعریف کند، خودش انتخاب نماید. سایر بچه‌ها می‌توانند در صورت تمایل و علاقه، ضمن تمرین، صحنه‌هایی را با او همراهی کنند. این داستان حتی می‌تواند از رویدادهای معمولی روزانه، خبرها و ماجراهای کلاسی، گزارش‌ها و مقالات کوتاه دربارهٔ مسائل مختلف و هر آن چه که بتوان تعریف کرد و نمایش داد، باشد. از این طریق کودکان به بازی با حوادث و رخدادهای گوناگون آشنا می‌شوند و می‌توانند از آنها قصه بسازند.

ماجرای داستان را سه بار برای کودک بخوانید. هدف از این کار آن است که کودک کاملاً با موضوع آشنا شود و ماجرای آن برایش جا بیفتد. سپس سعی کنید بدون آن که کودک متن نوشته را ببیند، خلاصه‌ای از آن را بنویسد (در صورتی که کودک هنوز نوشتن را نمی‌داند، مربی باید گفته‌های او را یادداشت کند).

آن گاه یک بار مربی کتاب را بلند بخواند و صدایش را ضبط کند، و یک بار هم از کودک بخواهد که این کار را انجام دهد.

گام سوم: کی، کی است؟ (Who's Who)

اهداف:

- مشاهدهٔ شیوهٔ اجرای قصه‌گویی
- شناسایی شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان

- به حافظه سپردن ابتدا و انتهای داستان

در این گام، مربی قصه‌گو می‌کوشد ماجرای داستان را روی سه کارت و یا برگهٔ مقوایی ترسیم کند و خودش نیز یک بار داستان را با استفاده از روش قصه‌گویی، برای بچه‌ها تعریف کند. در



مربی قصه گو باید ضمن تمرین، درباره نمایش های بدون کلام (Pantomime)، توضیحاتی به بچه ها بدهد و از آن ها بخواهد که تنها با انجام حرکات بدنی و حالات چهره شان، مقصود و منظور خود را به مخاطب برسانند. برای مثال، از کودک بخواهد نقش یک گربه را بازی کند و حالات و حرکات یک گربه را به خود بگیرد

قصه گویی، اعتماد به نفس و تسلط بیشتر کودک بر اجرای داستان می شود و این امر، کار را برای او به صورت عادت روزمره درمی آورد.

مربی قصه گو باید ضمن تمرین، درباره نمایش های بدون کلام (Pantomime)، توضیحاتی به بچه ها بدهد و از آن ها بخواهد که تنها با انجام حرکات بدنی و حالات چهره شان، مقصود و منظور خود را به مخاطب برسانند. برای مثال، از کودک بخواهد نقش یک گربه را بازی کند و حالات و حرکات یک گربه را به خود بگیرد.

تمرین دیگری که مربی در این مرحله می تواند به کودکان بدهد، آن است که از آن ها بخواهد نقش ویژه ای را ایفا کنند، سپس تا ۱۰ بشمارد و آن گاه با گفتن کلمه «ایست»، همه بدون حرکت بایستند و دوباره نقش دیگری به بچه ها بدهد و ... هنگام انجام این تمرین، هر یک از بچه ها باید بکوشند خودشان حرکتی ابداع کنند و از یکدیگر تقلید نکنند. هدف از این تمرین نیز توجه و تمرکز بیشتر بر حرکات بدن خود و سایرین است.

به تدریج که بچه ها با حرکات مختلف آشنا شدند، مربی می تواند داستان مناسبی را برای بچه ها بگوید و از آن ها بخواهد متناسب با شخصیت های آن، حرکات مناسبی هم برای آن ها انتخاب کنند. انجام این حرکات، ضمن قصه گویی، نمایش را جذاب و لذت بخش تر می کند و موجب دقت و تمرکز

داستان تعریف می کند. آن گاه از بچه ها می خواهد تفاوت های آن دو حالت را برایش بازگو کنند. مربی می تواند برای آن ها شرح دهد که ما زمانی از روش صحبت یکتواخت استفاده می کنیم که قصد جلب توجه دیگران را نداریم، در حالی که یک قصه گو که هدفش رساندن پیام نویسنده و مقصود داستان است، باید بیانی شیوا و با احساس داشته باشد. برای این کار، مربی از بچه ها می خواهد که دایره وار دور هم بنشینند و سعی کنند تک تک، با حالات مختلفی که به چهره خود می دهند، احساسی را بیان کنند. برای مثال، با استفاده از حرکات، رفتار و صدا (زیر و بم آن)، حالت شادی، خشم، غم، ترس و ... را نمایش دهند. هر یک از بچه ها باید به طور جداگانه، تک تک حالات را به نوبت تمرین کنند و آن گاه به حالت دیگر بپردازند.

اجرای تمرین کودکان، باید به این ترتیب باشد:
 ○ داستان را از روی کتاب و با صدایی بلند و شیوا بخوانند.
 ○ داستان را با صدای بلند جلوی آینه بخوانند.
 ○ داستان را بلند برای یک فرد دیگر بخوانند.
 ○ داستان را بدون استفاده از کتاب، بازگو کنند.
 ○ داستان را روبه روی آینه بازگو کنند.
 ○ داستان را برای یک فرد دیگر بگویند.
 ○ داستان را روی نوار ضبط کنند.
 این گونه تکرار کردن ها، موجب پرورش فن

صورتی که دوست و یا آشنای دیگری هم دارد که فنون قصه گویی را می داند، خوب است از او هم دعوت کند تا یک بار هم او این کار را برای بچه ها انجام دهد.

سپس مربی از بچه ها می خواهد که دایره وار دور هم بنشینند و تک تک، داستان را تعریف کنند. لازم است که بچه ها داستان را دوست داشته باشند و از اجرای آن احساس شادی و راحتی کنند. در این مرحله، کودکان باید یاد بگیرند که آغاز و پایان داستان را خوب به حافظ بسپارند؛ زیرا در این صورت، احساس می کنند که با اصل ماجرا آشنا هستند و اگر در جریان قصه گویی مطلبی را فراموش کنند، می توانند با توجه به پایان داستان، آن را به خاطر بیاورند.

گام چهارم: شیوه قصه گویی

اهداف:

- آشنایی کودکان با شیوه بیان داستان (نحوه استفاده از تغییر حالات چهره و بدن، مکث ها و زیر و بم صدا)

- تمرین قصه گویی با استفاده از روش مربی (منظور بیان حالات و چگونگی داستان است).

در این مرحله، مربی ابتدا یک بند از داستان را با حالت و صدایی یکتواخت، برای بچه ها می خواند و سپس همان بند را با احساسی مطابق با ماجرای



برخی از قصه‌گویان حرفه‌ای، برای آموزش فن قصه‌گویی به کودکان، از تصاویر پیوسته و پیاپی که بچه‌ها را با روند شکل‌گیری داستان آشنا می‌کند، استفاده می‌کنند. کودکان نیز ضمن آموزش و تمرین، می‌کوشند از آن تصاویر، برای به خاطر آوردن و تداعی ماجرای داستان استفاده کنند

گام هفتم: حرفه‌ای شدن

اهداف:

- مشاهده قصه‌گویان حرفه‌ای

- تمرین و تکرار برای حرفه‌ای شدن

مربی قصه‌گو از تک تک بچه‌ها بخواهد زمانی که به قصه‌گویی یک فرد حرفه‌ای گوش می‌دهند، به حالات، رفتار، عکس‌العمل‌ها، مکث‌ها، زیر و بم صدا و نحوه نگاه کردن او به مخاطبین، خوب دقت کنند. یک قصه‌گوی باتجربه، با داستان‌های گوناگون از فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و ملل گوناگون آشنایی دارد و سعی می‌کند با فضاسازی، مهارت خود را در بیان شویای قصه، به شنونده و بیننده خود نمایش دهد. پس خوب است که بچه‌ها را به موزه‌ها، جشنواره‌ها و تئاتر، نمایش‌خانه‌ها و کتابخانه‌های مختلف ببرید و آن‌ها را با رویدادها و ماجراهای مختلف آشنا سازید.

اگر مربی قصه‌گو تصور می‌کند کودکی برای اجرای قصه‌گویی‌اش آمادگی کافی دارد، آن چه را که می‌داند، باید به او نیز یاد بدهد. قصه‌گوی خوب، به کودک می‌فهماند که همیشه راهی برای موفقیت و پیروزی هست، تنها او باید به خودش اعتماد کند و با اتکا به توانایی‌ها و استعدادهاش، کاستی‌ها را برطرف کند. گروهی از کودکان دوست دارند داستان‌های‌شان را برای دوستان و هم‌سن و سالان خود تعریف کنند و گروه دیگر ترجیح می‌دهند برای بزرگسالان قصه بگویند. در هر دو حالت، آن‌ها از این که توانسته‌اند توجه همه را به خودشان جلب کنند و بین آن‌ها بدرخشند، احساس غرور، سربلندی و افتخار می‌کنند.

تمرین و تمرکز بیشتر کودکان
- بازگویی قصه توسط کودک برای دوستان، هم‌کلاسی‌ها، اعضای خانواده و...
تنها راهکار برای به خاطر سپردن داستان، تکرار، تمرین و مرور آن است. اگر کودک تاکنون خیلی تمرین کرده، جملات اول و آخر را خوب به خاطر سپرده و ترتیب عکس‌ها و تصاویر متن را خوب به یاد می‌آورد، آن گاه می‌توان به یک اجرای خوب امیدوار بود؛ مگر آن که کودک لحظه‌ای دچار فراموشی شود. در این حالت هم با کمی کمک و تلقین مربی به کودک که «ماجرای قصه را در ذهن خود داری و تنها کافی است نکات بی‌اهمیت را فراموش کنی و نفس عمیق بکشی»، کودک را تشویق به ادامه دادن کند. حالت دوم، زمانی است که کودک واقعاً مطلب را فراموش کرده باشد. در آن صورت باید به او یاد داد که جملات آخر خود را یک بار دیگر تکرار کند و پایان داستان را به خاطر بیاورد. آن گاه حتماً ادامه قصه را به خاطر خواهد آورد.

○ اگر کودک اشتباه کرد، باید چه کار کند؟
در این گونه موارد، لزومی به عذرخواهی نیست. کودک می‌تواند با یک مکث ساده و گفتن، «اوه، بله» و یا «البته باید بدانید...» مطلبی را که جا انداخته و یا اشتباه کرده است، تصحیح کند.
○ اگر شنوندگان به کودک توجه نکنند، چه

مخاطب (تماشاچی) می‌شود. زمانی که کودکان یاد می‌گیرند چگونه با انجام حرکات بدنی‌شان داستان را دنبال کنند، ماجرای قصه را بهتر به یاد می‌آورند و آمادگی بیشتری برای حرکات بعدی دارند. مربی زمانی که احساس کرد که کودکان دچار خستگی شده‌اند، می‌تواند با یادآوری موضوع، به کمک آن‌ها بیاید و یا استراحتی به آنان بدهد.
نکته دیگر آن است که کودکان را تشویق کنید قبل و بعد از اجرای نمایش قصه‌گویی، افکار و احساس خود را بنویسند. انجام این کار، موجب تمرکز بیشتر و تقویت مهارت نویسندگی آن‌ها می‌شود.

گام پنجم: معرفی اشخاص

اهداف:

- معرفی خود و دیگر اعضای گروه
مربی قصه‌گو باید از تک تک بچه‌ها بخواهد که خودشان را معرفی کنند و درباره نویسنده داستان، طراح، افراد گروه و... اطلاعاتی به مخاطبین خود بدهند.

گام ششم: اشکالات و مسائل متفرقه

اهداف:

- رفع اشکالات گوناگون نمایش، به منظور